**بازخوانی مفهوم نیروهای مسلح در حقوق بین­الملل ؛ از تروریسم خواندن سپاه پاسداران تا ترور شهید سپهبد سلیمانی توسط آمریکا**

**چکیده:**

تشکیل نیروی نظامی و ارتش رسمی از زمره صلاحیت‌هایی است که حقوق بین‌الملل تحت عنوان «حاکمیت سرزمینی» برای دولت‌ها در نظر گرفته و به­رسمیت شناخته است. ایالات‌متحده آمریکا، در یک اقدام غیرمنتظره سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران به­عنوان نیروی نظامی که برگرفته از ساختار حاکمیتی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می­باشد را در لیست سازمان‌های تروریستی خارجی خود قرارداد. همچنین در اقدامی دهشتناک و غیرمنتظره دیگر یکی سال بعد سپهبد سلمانی و اومهند الهمدی و همراه­نشان را در فرودگاه عراق ترور و به­قتل رساند. که منجر به کنش واکنش­های داخلی و بین­المللی شد که نیاز به تحلیل و بررسی دارد. از این­رو سوالاتی که در این تحقیق در پی پاسخ به آنها هستیم این است که آیا جایگاه سازمانی سردار سلیمانی به­عنوان عضو نیروهای مسلح با موضع ایالات متحده آمریکا در تروریستی خواندن سپاه پاسداران تغییر یافته است؟ آیا مفهوم نیروهای مسلح در حقوق بین­الملل دچار دگردیسی شده است؟ یافته­های تحقیق حاکی از آن است که سردار سلیمانی به­عنوان عضو نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بوده و تروریسم خواندن نیروهای سپاه پاسدارن توسط آمریکا هیچ تاثیری بر وضعیت قانونی آنها نداشته و بدعتی مذموم در حقوق بین­الملل می­باشد، و در نهایت ترور هدفمند ایشان و تلقی سپاه پاسداران به­عنوان تروریسم ناقض حقوق بین­الملل و موجبات مسئولیت دولت آمریکا را فراهم آورده است. روش تحقیق نوشتار حاضر توصیفی تحلیلی می­باشد و روش گرداوری اطلاعات کتابخانه­ای استنادی می­باشد.

کلیدواژه­ها: تروریسم، نیروهای مسلح، شهید سلیمانی، حقوق بین­الملل.

**1. مقدمه**

ایالات‌متحده آمریکا، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را که به‌عنوان بازوی نظامی جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با تروریسم در منطقه و فرامنطقه مطرح بوده و شناخته می‌شود را در لیست سازمان‌های تروریستی خارجی خود قرارداد. دولت آمریکا با این اقدام، برای نخستین بار نیروی نظامی رسمی یک کشور را در فهرست تروریستی خود می‌گذارد و براساس آن و مطابق با قانون تروریسم این کشور، دستگاه‌های این کشور موظفند به‌مانند دیگر گروه‌های تروریستی حاضر در این فهرست تروریستی آمریکا، نظیر داعش، القاعده و ... با آن برخورد نمایند (منتظران، 1398). که به­نظر می­رسد این اقدام آمریکا برنامه­ای از پیش تنظیم شده برای محدود نمودن و هدف قرار دادن نیروی­های سپاه پاسداران در منطقه غرب آسیا می­باشد.

در بامداد 3 ژانویه 2020 نیروهای آمریکایی با دستور رئیس جمهور آمریکا و با حمله موشکی پهپاد MQ-9آمریکایی در نزدیکی فرودگاه بغداد، خودروهای حامل سردار قاسم سلیمانی فرمانده نظامی عالی­رتبه جمهوری اسلامی ایران و نیز ابومهدی مهندس، جانشین فرمانده الحشد الشعبی به­همراه هشت نفر از همراهان ایرانی و عراقی را مورد حمله قرار دارد و منجر به کشته شدن آنها گردید. این اقدام به دستور مستقيم شخص رئيس جمهور ترامپ، مقامات امريكايي اقدام به طرح ادعاها و اظهاراتي در موجه نشان دادن اين عمليات نظامي غيرقانوني كردند. رییس جمهور اسبق آمریکا ترامپ و وزیر امورخارجه آمریکا اعلام نمودند که این حمله به­منظور پيشگيري از طرحهاي حملات آتي ايران بوده است. ولی به­واقع به­نظر می­رسد یکی از علل ترور سردار سلیمانی، تلقی نمودن وی به­عنوان عضویت در یک سازمان تروریستی بوده است.

با این­حال اقدام آمریکا در تروریستی نامیدن نیروی نظامی یک کشور اساسا مغایر با حقوق بین‌الملل می­باشد، نیاز به کنش و واکنش­های صحیح و به­موقع دارد. لکن هدف از این مختصر بررسی جایگاه سپاه پاسدارن از منظر قوانین داخلی و بین­المللی و همچنین آثار حقوقی بین‌المللی این اقدام آمریکا و در نهایت تحلیل ترور هدفمند سردار سلیمانی در پی این اقدام می­باشد. اهمیت تحقیق نیز از آن­رو است که تعیین ابعاد مختلف این اقدام و ترور هدفمند سردار سلیمانی می­تواند ما را به این نتیجه برساند که با اقدام و واکنش به­موقع و صحیح می­توانیم از چنین اقداماتی جلوگیری نماییم. ضرورت تحقیق نیز ناشی از آن است که عدم بررسی این موضوع ابعاد حقوقی آن­را هویدا ننموده و ممکن است دوباره با اقدام نامناسب و عدم واکنش به­موقع منجر به بروز مجدد چنین حوادثی شود.

سوالی که در این تحقیق در پی پاسخ به آن هستیم این است که آیا جایگاه سازمانی سردار سلیمانی به­عنوان عضو نیروهای مسلح با موضع ایالات متحده آمریکا تغییر یافته است؟ آیا مفهوم نیروهای مسلح در حقوق بین­الملل دچار دگردیسی شده است؟ نگارنده در این مختصر اثبات می­نماید که سردار سلیمانی به­عنوان عضو نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بوده و تروریسم خواندن نیروهای سپاه پاسدارن توسط آمریکا هیچ تاثیری بر وضعیت قانونی آنها نخواهد داشت و بدعتی مذموم در حقوق بین­الملل می­باشد، و در نهایت ترور هدفمند ایشان موجبات مسئولیت دولت آمریکا را فراهم آورده است. روش تحقیق نوشتار حاضر توصیفی تحلیلی می­باشد و روش گرداوری اطلاعات کتابخانه­ای استنادی می­باشد.

**2. وضعیت نیروهای مسلح در حقوق بین­الملل**

تشکیل نیروی نظامی و ارتش رسمی از زمره صلاحیت‌هایی است که حقوق بین‌الملل تحت عنوان «حاکمیت سرزمینی» برای دولت‌ها در نظر گرفته و به­رسمیت شناخته است. اساسا برای تعیین نیروهای مسلح در حقوق بین­الملل می­بابسیتی به اسناد مرتبط با حقوق مخاصمات مسلحانه رجوع نمود. به­واقع تفکیک آنها در زمان وقوع یک مخاصمه مسلحانه اهمیت پیدا می­کند. لیکن در حقوق بین­الملل اسنادی مانند کنوانسیون حقوق دریاها با تعریف کشتی­های نظامی و تعلق آن به نیروهای مسلح کارکنان و فرماندهان آنها را نیز به­عنوان نیروی نظامی تلقی نموده است(UNCLOS, 1982, Arts.29). همچنین دستورالعمل سان­رمو در پارگراف 13، و برخی از اسناد دیگر از این رویه تبعیت نموده و کارکنان هواپیماهای نظامی را به­عنوان نیروهای مسلح تلقی شده­اند. (San Remo *Manual*, 1994: para. 13)(German Manual, 1992: para.1007; 1008; 1009). (HPCR Manual, Section A, Rule 1, Para (x)).

حقوق ديپلماتيك به­همراه حقوق جنگ، نیز يكي از قديمي‌ترين شاخه‌هاي حقوق بين‌الملل عمومي محسوب مي‌گردد. در حال حاضر نیز معاهدات حقوق ديپلماتيك يكي از جهان ‌شمول‌ترين معاهدات بين‌المللي است و عمده تعهدات آن به­خصوص كنوانسيون وين 1961 نـاظر بر روابط ديپلماتيك، جـزء تعهدات عام محسوب مي‌گردد که در نتیجه برای تمامی اعضای جامعه بین­المللی لازم الاجرا می­باشد. کنوانسیون وین در ماده 7 پذیرش نیروهای نظامی را به­عنوان وابسته نظامی در سایر کشورها مورد پذیرش قرار داده است که معمولا این وابستگان تلاش دارند دیپلماسی دفاعی را با کشورهای پذیرنده توسعه دهند.

اما مهم­ترین بخش حقوق بین­الملل که تلاش داشته است مفهوم نظامیان را از غیرنظامیان تفکیک نماید حقوق مخاصمات مسلحانه می­باشد. حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه در مورد افرادی که در مخاصمات مسلحانه شرکت کرده یا به­وسیله آن متأثر شده‌اند، میان نظامیان و غیرنظامیان تفکیک و تمییزی اساسی قائل می­شود. این تفکیک، تعیین کننده جایگاه بین­المللی این دو دسته در پرتو حقوق بین­الملل است. این دو دسته، وضعیت اولیه ( و حقوقی) فرد در مخاصمه مسلحانه بین­المللی را مشخص می­کند. حقوق بین­الملل قابل اعمال بر مخاصمات مسلحانه بین­المللی، تعلق فرد به دسته نظامی یا غیرنظامی را (از طریق تبیین ترتیباتی خاص) تعیین می‌کند. صرف­نظر از این تفکیک اولیه، افراد ممکن است به دلیل قوانین ملی یا تدابیر اداری یا به دلیل وجود شرایط واقعی به­طور تقریبی به وضعیت اولیه نزدیکتر باشند؛ برای نمونه علی­القاعده اعضای نیروهای مسلح یک دولت رزمنده هستند. لذا این افراد در محدوده مقرر از سوی حقوق بین­المللی قابل اعمال بر مخاصمات مسلحانه بین­المللی، مجاز به شرکت مستقیم در مخاصمات می­باشند(ایپسن، 1387: 101).

نیروهای مسلح یک طرف مخاصمه شامل رزمندگان و غیررزمندگان می‌شود. رزمندگان افرادی هستند که در مخاصمات شرکت مستقیم به­معنای شرکت در استفاده از سلاح یا سلاح سیستمی به­عنوان یک وظیفه لاینفک دارند (ماده 3 مقررات لاهه، بند 2 ماده 43 پروتکل اول الحاقی). سایر اعضای نیروهای مسلح، غیررزمنده تلقی می‌شوند. وضعیت دسته‌های مختلف کارکنان خدماتی براساس تصمیم­های ملی که مطابق با اصول حقوق بین­المللی مذکور اتخاذ شده، مشخص می­گردد(ایپسن، 1387: 102).

قاعده کلیدی برای تعیین وضعیت فرد به­عنوان رزمنده و عضو نیروهای مسلح در ماده 43 پروتکل الحاقی اول آمده است که به تعریف نیروهای مسلح پرداخته است و مقرر می‌دارد اعضای نیروهای مسلح (به استثنای کارکنان پزشکی و مذهبی) رزمنده هستند. متن ماده 43 پروتکل اول الحاقی بسیار روشن است و در نتیجه نیاز به تفسیر بیشتری ندارد. این ماده مقرر می‌دارد همه نیروهای مسلح یک طرف مخاصمه از لحاظ حقوقی، در زمره ارگان‌ها و مأموران آن طرف مخاصمه محسوب می‌شوند. بر طبق تعریف حقوقی موسع از نیروهای مسلح این واژه «شامل همه نیروهای مسلح، دسته‌های سازمان یافته و واحدهایی می‌گردد که تحت فرماندهی مقام مافوق بوده که در مقابل طرف مخاصمه به­علت اقدامات زیردستانش مسئول است.» این تعریف از نیروهای مسلح در ذیل آمده است.

نیروهای مسلح طرف مخاصمه شامل همه نیروهای مسلح سازمان یافته، دسته‌ها و واحدهای آن می‌شود. همچنین این عبارت بر دسته‌های چریک و داوطلبی که در نیروهای مسلح تلفیق شده‌اند نیز اطلاق می‌شود. نیروهای مسلح باید:

* تحت فرماندهی مقامی باشند که در برابر آن طرف مخاصمه به علت اقدامات افراد تحت امر خویش مسئول است، و
* تابع نظام انضباطی داخلی بوده که مطابق با قواعد حقوق بین­الملل حاکم بر مخاصمات مسلحانه است (بند 1 ماده 43 پروتکل اول الحاقی).

این تعریف جامع است و همه «نیروهای مسلح» را صراحتاً در بر می‌گیرد. عمومیت این تعریف به همه مباحثی که حول محور تعریف «نیروهای مسلح» در حقوق بین‌الملل از زمان تصویب حقوق ژنو و لاهه مطرح بود، پایان داد. جمله دوم این بند را نباید این­گونه معنا کرد که صرفاً دسته‌های چریک و داوطلبی که در نیروهای مسلح قرار می‌گیرند. چنین تفسیری منجر به این نتیجه ناصواب می‌شود که تفکیک مندرج در ماده 1 مقررات لاهه مورد تأیید قرار گرفته است. ماده 43 میان دولت‌هایی که صرفاً دسته‌های داوطلب یا چریک نیروهای مسلح آن را تشکیل می‌دهند و دولت­هایی که علاوه­بر نیروهای خود، دسته­های داوطلب یا چریک دارند، تفکیک قائل شده است. این تفکیک در بندهای 1 و 2 جزء الف ماده 4 کنوانسیون سوم ژنو نیز دیده می‌شود. مع­الوصف نيروهاي مسلح ممکن است متشکل باشند از :

1. واحدهاي منظم،
2. افراد ذخيره (احتياط)،
3. واحدهاي دفاع سرزميني (نيروي پدافند غيرعامل، دفاع شهري، بسيج فعال يا تمام وقت و ...)،
4. شهرونداني که به طور نيمه وقت به خدمت فراخوانده شده‌اند (بسيج نيمه فعال يا عادي و ...)،
5. سربازان تمام وقت باشند. (دوره خدمت ضرورت يا پيماني و... ).

مع‌الوصف اگر يک سازمان شبه نظامي يا ضابط قانون، نظير ژاندارمري و پليس در نيروهاي مسلح ادغام شده باشند، اين امر بايد به سایر دولت­ها (طرف ديگر مخاصمه) اعلام شده باشد(پ. و. مالرب، 1387: 49).

حقوق بین­الملل اشعار می­دارد اعضاي نيروهاي مسلح با پوشيدن لباس متحدالشکل نظامي خود را از غير نظاميان متمايز مي‌سازند. حقوق بين‌الملل مقرر مي‌دارد که لباس متحدالشکل حداقل مي‌بايستي در زمان رزم، و عملیات نظامي پيش از رزم، به­عنوان مثال هنگام استقرار براي حمله، مانور مرتبط با حمله يا عقب نشيني از حمله، پوشيده شود. لباس متحدالشکل لباس رزم نظامي را نيز شامل مي‌شود(نعمتی، سیفی، 1397: 67).

**3. اعلام سپاه پاسداران به­عنوان تروریسم توسط آمریکا**

یکی از مهم‌ترین اقدامات امریکا بعد از جنگ جهانی دوم، برای سرکوب و ترساندن مخالفان خود و کشور‌های مستقل، با تفسیر موسع از «صلح و امنیت جهانی» به­عنوان اساسی‌ترین موضوع در حقوق بین‌الملل، «معرفی فعالیت‌های جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و حتی ارتش و نیرو‌های نظامی رسمی یک کشور به­عنوان فعالیت‌های تروریستی» است. مصداق رفتار مورد اشاره امریکایی، معرفی نیرو‌های مردمی و انقلابی حزب‌الله لبنان، حشدالشعبی عراق، حماس فلسطین، انصارالله یمن به­عنوان گروه‌های تروریستی است. تلاش مجلس نمایندگان امریکا برای معرفی کردن سپاه به­عنوان گروه تروریستی در سال ۹۶ به دلیل فقدان انطباق مفاهیم و مصادیق قانون «سازمان تروریستی خارجی» با فعالیت‌های سپاه از دستور کار خارج شد؛ آن‌هم در حالی که قانون مهاجرت و ملیت امریکا دست مراجع دولتی امریکا را بسیار باز گذاشته است تا بدون قید زمان و موضوع، هر سازمانی را که «تشخیص» دادند در لیست گروه­های سازمانهای تروریستی خارجی (FTOs)[[1]](#footnote-1) درج کنند یا بخش ۲۱۹ این قانون طیف بسیار گسترده‌ای از نهاد‌ها و سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند به بهانه اینکه توانایی انجام فعالیت تروریستی را دارند، در لیست گروه‌های تروریستی قرار بگیرند. اما مجلس نمایندگان امریکا نتوانست سپاه را در لیست گروه‌های تروریستی قرار دهد (<https://rasanews.ir/fa/news/602126/>).

بااین­وجود، «دونالد ترامپ» رییس جمهوری آمریكا در 19 فروردین 1398 با انتشار بیانیه­ای اعلام كرد كه واشنگتن، سپاه را یك سازمان تروریستی خارجی در نظر گرفته است. ترامپ در بیانیه‌ای كه از سوی كاخ سفید منتشر شد، نوشت: رسمی اعلام می‌كنم كه دولت من قصد دارد بر اساس بند شماره 219 از «قانون مهاجرت و ملیت»، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران از جمله سپاه قدس را به­‌عنوان یك سازمان تروریستی خارجی اعلام كند.

مسئله اینجاست که به­رغم جایگاه مشخص سپاه پاسداران در قانون اساسی و در میان نیروهای مسلح ایران، این نهاد نظامی را در فهرست سازمان­های (باصطلاح) تروریستی خارجی دولت آمریکا قرار گرفت. درواقع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران پیشتر توسط وزارت خزانه­داری آمریکا با اتهام حمایت از تروریسم در فهرست تحریم های دفتر کنترل دارایی­های خارجی و مطابق با قانون کاتسا، در فهرست الف: یعنی فهرست گروه­های ویژه حامی تروریست تحریم شده بود و به عبارتی به عنوان یک سازمان واحد در فهرست گروه های تروریستی وزارت خارجه آمریکا نبود. اما از 8 آوریل 2019 ایالات متحده آمریکا یک گام از تحریم سپاه پاسداران که پیشتر فرماندهان و سازمان­های وابسته به آن را طبق دستور اجرایی 13224 و به اتهام حمایت از تروریسم مورد تحریم­های متعدد قرار داده بود، جلوتر آمده و کلیت مجموعه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به­همراه تمامی زیرمجموعه­های آن، در فهرست )ب(، یعنی فهرست سازمان­های تروریستی خارجی وزارت خارجه آمریکا قرار داده است. فهرستی که شامل گروه­های شبه نظامی بسیاری در نقاط مختلف جهان ازجمله القاعده، داعش، جند الله، حزب الله، حماس، جهاد اسلامی فلسطین و... است. در مقررات مندرج در این قانون، از مقابله نظامی تا ممنوعیت ارائه به «کمک­های عینی» و تعقیب کیفری متخلفین سخن رفته است(منتظران، جعفری، 1399: 18-19).

تحریم‌ها علیه سپاه پاسداران و نهادهای وابسته به آن به سه دوره تقسیم می‌شود؛ دوره اول قبل از سال 2010 و اعمال تحریم «سیسادا»[[2]](#footnote-2)، دوره دوم از سال 2010 تا سال 2017 و پیش از تحریم «کاتسا» و دوره سوم بعد از تحریم «کاتسا». در دوره اول نهادهای وابسته یا زیرمجموعه‌های سپاه البته زیرمجموعه‌های اصلی و شاخه‌های مهمی مانند نیروی قدس یا قرارگاه خاتم، بانک انصار یا قرب نوح در لیست تحریم قرار گرفتند، که عمده بهانه آن هم «حمایت این مجموعه‌ها از تروریسم و برنامه هسته‌ای» بود. در این ایام صرفا قرار بود اموال این مجموعه‌ها در آمریکا بلوکه شود و مجموعه‌های همکار با سپاه در درون آمریکا مورد تحریم قرار گیرند و فراتر از آن، چنان اتفاقی رخ نمی‌داد، لذا اثر چندانی نداشت. البته طبق قانون مصوب آمریکا نمایندگان سپاه و گروه‌های حامی با این مجموعه‌ها نیز تحریم می‌شوند(<https://www.farsnews.ir/news/13980118001053/>).

در دوره دوم تحریم‌های آمریکا علیه ایران و مخصوصا سپاه، با تصویب قانون سیسادا یک ارتقای معنادار رخ می‌دهد. در این ایام آمریکا سپاه یا هر مجموعه همکار با سپاه را تهدید به قطع دسترسی به سیستم مالی و بانکی ایالات متحده آمریکا کرد؛ بدین معنا که اگر یک بانک خارجی با چند واسطه مسیر خرید برخی تجهیزات برای قرارگاه خاتم‌الانبیا سپاه را تسهیل می‌کرد و حتی به­صورت غیرمستقیم یک طرف تراکنش مالی با آنها قرار می‌گرفت، به قطع دسترسی به سیستم مالی و بانکی ایالات متحده تهدید می‌شد. این شرایط تا بعد از کاتسا و حتی در دوران برجام هم برقرار است و خدشه‌ای به آن وارد نمی‌شود. در دوره سوم و بعد از تحریم کاتسا این محدودیت دسترسی به سیستم بانکی به­صورت قابل‌توجهی گسترده شده و افراد و مجموعه‌های زیادی مورد تحریم قرار می‌گیرند. تا قبل از کاتسا سپاه صرفا به‌عنوان حامی تروریسم یا اشاعه از سوی آمریکا شناخته می‌شد و لذا به دلایلی که گفته شد، مورد هدف برخی از تحریم‌های آمریکا قرار می‌گرفت، اما بعد از تصویب، این قانون به­صورت مشخص تحریم‌هایی که علیه یک «گروه تروریستی» اعمال می‌شد، علیه سپاه پاسداران و زیرمجموعه‌ها و گروه‌های وابسته به آن هم اعمال شد. البته در کاتسا سپاه گروه تروریستی شناخته نمی‌شود، ولی تحریم‌های شامل یک گروه تروریستی شامل حال آن می‌شود و لذا هرکسی که صرفا سپاهی باشد یا همکار سپاه، حتی اگر زیرمجموعه هیچ‌یک از بهانه‌های گفته‌شده مانند حمایت از تروریسم هم نباشد، تحریم می‌شود. این اتفاق باعث شد اگر یک بانک خارجی قبلا فقط مراقب بود که به سپاه و زیرمجموعه‌های آن خدماتی ارائه ندهد، بعد از کاتسا هر چیزی که نشانه‌ای از سپاه را در خود داشت مانند یک پروژه دانشگاهی، آن هم مورد تحریم واقع می‌شد. در این شرایط به دلیل حضور سپاه در ساختار قانونی ایران، عملا همکاری بسیاری از مجموعه‌های خارجی با ایران محدود شد .در حال حاضر اعلام سپاه پاسداران به‌عنوان یک گروه تروریستی مرحله چهارم است و فرای مسائل اقتصادی می­باشد، چراکه در دوره‌های قبلی سپاه از نظر اقتصادی به‌صورت تام و تمام مورد تحریم قرار گرفته شد و با تروریستی اعلام‌شدن سپاه بیشتر به­دنبال اهداف سیاسی و امنیتی بود(<https://www.farsnews.ir/news/13980118001053/>). البته ایالات متحده امریکا پیش از این «سپاه قدس» شاخه برون مرزی سپاه پاسداران را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داده بود و سپاه قدس و فرمانده آن سردار قاسم سلیمانی را هم تحریم کرده بود، ولی کلیت سپاه پاسداران به­عنوان شاخه نظامی رسمی جمهوری اسلامی هیچ‌گاه به­عنوان سازمانی تروریستی مطرح نشده بود.

امریکا برای شناسایی گروه‌های تروریستی نظرات دو مرجع وزارت خزانه‌داری و وزارت امورخارجه را مورد توجه قرار می‌دهد که براساس آن وزارت امور خارجه این کشور لیست «سازمان‌های تروریستی خارجی» را تعیین و معرفی می‌کند و وزارت خزانه‌داری لیست «گروه‌های ویژه تروریستی شناسایی‌شده جهانی» را مورد توجه قرار می‌دهد. فعالیت‌های سپاه پاسداران هیچ‌کدام از مفاهیم «قانون مهاجرت و ملیت امریکا» و «دستور اجرایی شماره ۱۳۲۲۴» را به­عنوان دو قانون امریکایی برای تشخیص گروه‌های تروریستی شامل نمی‌شود و مهم‌تر آنکه تشکیل سپاه و فعالیت‌های آن اساساً با مفاهیم حقوق بین‌الملل نه تنها تناقض ندارد بلکه هم‌پوشانی نیز دارد (<https://rasanews.ir/fa/news/602126/>).

اساسا در «قانون مهاجرت و ملیت امریکا» هیچ بعد نظامی وجود ندارد و محور مشخصی از قبیل انسداد دارایی­ها و استرداد و ... را دارد و این قانون تروریستی بودن سپاه را اجازه نمی­دهد (گوهری، 1398). این قانون در سال ۱۹۵۲ در آمریکا توسط کنگره به تصویب رسید، اما در موضوع تحریم سپاه انقلاب اسلامی ایالات متحده تلاش کرده است گه قانون داخلی خود را به فضای بین­المللی تسری داده است (فرحی، 1398) که برخلاف حقوق بین­الملل می­باشد. علاوه­براین این اقدام آمریکا در داخل آمریکا نیز مخالفان جدی دارد، نشان می‌دهد حتی در میان افراطیون آمریکایی نیز این اقدام وجاهت ندارد. (مرندی، 1398) البته وزارت دفاع و سیا نیز با این تصمیم  مخالف بودند و تبعات آن­را غیرقابل کنترل می‌دانستند. (ابوالفتح، 1398)

**4. تروریسم خواندن سپاه پاسداران؛ کنش­ها و واکنش­های داخلی**

تصمیم مورد اشاره دولت امریکا در نگاه نخست، با اهدافی نظیر «جبران شکست منطقه‌ای محور غربی-عربی از فعالیت‌های ضدتروریستی سپاه»، «حمله به ارکان اقتدار جمهوری اسلامی ایران»، «اثرگذاری بر انتخابات پارلمانی رژیم صهیونیستی و پیروزی مجدد بنیامین نتانیاهو در انتخابات»، «افزایش ریسک سرمایه گذاری خارجی و جلوگیری از ورود سرمایه گذار به ایران» و «تحریک ایران برای خروج از برجام» و «ضدیت افکارعمومی دنیا با فعالیت‌های ضدتروریستی سپاه» قابل ارزیابی است(<https://rasanews.ir/fa/news/602126/>)، اما باید توجه داشت این اقدام با مفاهیم ابتدایی حقوق بین‌المللی در تناقض بوده و پیامد‌های گسترده منطقه‌ای و بین‌المللی را با خود به­همراه داشت. اقدام رئیس جمهوری آمریكا در تروریست خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، واكنش گسترده مقامات كشوری و لشكری و شخصیت­های سیاسی كشورمان را در پی داشت.

رئیس جمهور روحانی عنوان داشت تنها سپاه پاسداران و نیروهای مسلح ایران بود که ملت‌های منطقه را در برابر تروریست حمایت کرد. وزیر امورخارجه نیز ضمن اعلام اعتراض رسمی به شورای امنیت، در نامه‌ای به رئیس جمهوری و رئیس شورای عالی امنیت ملی خواستار قرار دادن نام نیروهای نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا (سنتکام) در فهرست گروه‌های تروریستی از نظر جمهوری اسلامی ایران شد. رئیس قوه قضائیه وقت نیز، اقدام اخیر آمریکا را مانند سایر شرارت‌هایش محکوم به شکست دانست. رییس مجلس وقت نیز اظهار داشت، دولت آمریکا نماد تروریسم بین‌المللی در ابعاد نظامی و اقتصادی است و با یادآوری سخنان وزیر خارجه پیشین آمریکا در مورد ایجاد داعش توسط دولت ایالات متحده، و با اشاره به سخنان نخست وزیر فقید پاکستان خانم «بی‌نظیر بوتو» یک ضلع اصلی تشکیل گروه‌های تروریستی در افغانستان آمریکا بوده است، آمریکا را محکوم به حمایت از تروریست دانست. رئیس کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی مجلس نیز تاکید کرد، ایران هم ارتش آمریکا را به‌عنوان گروه تروریستی و مشابه داعش تلقی می‌کند. پیش از این هم سردار جعفری چنین اظهارنظری داشت، ایران در مقابل این اقدام آمریکا همانند موضوعات دیگر اقدام متقابل انجام می‌دهد و اگر عملیاتی نکند، حداقل در مبادی رسمی و اعلامی این کار به شکل تصمیم مقابله به‌مثل از طرف ایران اتخاذ می‌شود (<https://fa.shafaqna.com/news/734487/>).

برخی از احزاب اصلاح‌طلب و اصولگرا نیز با صدور بیانیه‌ای اقدام غیرقانونی دولت آمریکا علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را محکوم کردند. حزب ندای ایرانیان «ضمن ابراز انزجار از این اقدام غیرقانونی و نابخردانه‌ دولت ترامپ که با توجه به نص قوانین بین‌المللی، نقض صریح حاکمیت ملی و تهدیدی علیه امنیت ملی کشور محسوب می‌شود، و مطابق اصل صد و پنجاه قانون اساسی، نیروی نظامی رسمی کشور ما می­باشد». حزب اتحاد ملت ایران نیز در محکومیت اقدام ماجراجویانه دولت ترامپ علیه سپاه، تاکید کرد، «اقدام ماجراجویانه دولت ترامپ در قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی؛ نقض حاکمیت ملی و حقوق بین‌الملل و تلاشی تازه برای تشدید بحران در منطقه و جهان است». حزب اتحاد ملت ایران اسلامی این «اقدام بی‌سابقه در عرصه سیاست و حقوق بین‌الملل را تهدیدی علیه تمامیت کشور و گسترش افراطی‌گری و تروریسم تلقی و آن را شدیدا محکوم می‌کند». حزب موتلفه اسلامی نیز اعلام داشت «این اولین بار است که نیروهای نظامی یک دولت مشروع و قانونی را بدون هیچ دلیل و بهانه‌ای تروریست معرفی می‌کنند، این موضع ماجراجویانه تهدیدی برای صلح و امنیت در منطقه و جهان است که آمریکایی‌ها نیز از خسارت­های آن در امان نخواهد ماند» (<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/01/20/1984741/>).

علیزاده طباطبایی عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران اظهار داشت: «اقدام ترامپ در تروریستی‌خواندن سپاه را می‌توان نوعی بهانه‌جویی برای ایجاد جوی متشنج علیه سپاه در مجامع بین‌المللی به‌شمار آورد که قطعاً هیچ مبنای حقوقی و قانونی نداشته و وزارت خارجه می‌تواند شکایت کند». حزب مردم سالاری «ضمن محکوم ساختن این اقدام دولت ترامپ، از کلیه نهادهای حاکمیتی کشور، بویژه شورای عالی امنیت ملی درخواست می کند با واکنش منطقی و معقول در مقابل دولت آمریکا که نه تنها در عرصه بین الملل بلکه در داخل آمریکا نیز با ضعف مفرط روبروست، همچون قرارگرفتن نام نیروهای نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا (سنتکام) در فهرست گروه­های تروریستی ایران، به مقابله با مثل با اقدامات دولت ترامپ بپردازند و اتحاد ایرانیان در مقابل این اقدام خصمانه را در منظر جهانیان قرار دهند تا بار دیگر دولت آمریکا در مقابل ایران در انزوا قرار گیرد و بداند در ایران برای مقابله به مثل با اقدامات و تهدیدات مختلف آمریکا، همه گزینه­ها روی میز خواهد بود». همچنین مجمع روحانیون مبارز در بیانیه ای به اقدام خصمانه آمریکا علیه سپاه پاسداران واکنش نشان داد و «اقدام جدید کاخ سفید ایالات متحده آمریکا در تروریست خواندن سازمان مسلح و قدرتمند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برخلاف نظامات حقوق بین الملل بوده و از نظر ملت ایران محکوم است»(<https://fa.shafaqna.com/news/734487/>).

برخی نیز معتقدند تروریست خواندن سپاه در منطقه خاورمیانه اثر وضعی مشخصی را نخواهد داشت و تصور اینكه باعث اقدام عملیاتی كشورها در منطقه شود تفكری نادرست است و این اقدام هیچ بعد امنیتی ندارد و اساسا خود آمریكایی­ها نگرانی جدی دارند و حتی نظامیان آمریكایی نیز مخالف این تصمیم ترامپ هستند و نگران واكنش احتمالی سپاه در منطقه هستند(گوهری مقدم، 1398).

برخی نیز اقدام متقابل را خواستار شدند و تصریح کردند؛ «به نظر ایران باید مرکز فرماندهی نظامی آمریکا در منطقه (سنتکام) را تروریستی اعلام کند» و «مجلس ایران باید یک‌سری اقداماتی انجام دهد؛ مثلا پرواز هواپیماهای آمریکایی را از فراز آسمان ایران به‌طور مطلق ممنوع و هرگونه معامله با طرف مستقیم و غیرمستقیم آمریکایی را ممنوع کند. فرماندهان نظامی آمریکا در منطقه را در لیست سیاه قرار دهد و علنی اعلام کند و به مسلمانان بگوید اینها سردسته جنایتکاران در منطقه هستند و امنیت جانی آنها را تهدید کند» (مرندی، 1398). برخی نیز اظهار داشتند که ایران هم نسبت به بخشی از نیروهای نظامی آمریکا اقداماتی کند. ولی برای تبیین این موضوع بخش‌های مربوطه چارچوب‌ها و ضوابطش را باید در نظر بگیرند، روی هم رفته این مسئله هیچ کمکی به صلح منطقه نداشته است (جنیدی، 1398).

در نهایت شورای عالی امنیت ملی ایران در واکنش دولت ایالات متحده را «حامی تروریسم» و نیروهایش در غرب آسیا موسوم به «سنتکام» را گروه تروریستی معرفی کرد. در واقع این اقدام به­عنوان یک اقدام متقابل در حقوق بین­الملل در نظر گرفته می­شود. نمایندگان مجلس شورای اسلامی با دو فوریت طرح تقویت جایگاه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در برابر آمریکا موافقت کردند و وزیر امورخارجه اعتراض رسمی خود را به سازمان ملل در برابر این اقدام آمریکا اعلام کرد. در نهایت جمهوری اسلامی ایران در اقدام متقابل در برابر این اقدام غیرقانونی آمریکا، سنتکام و تمامی نیرو‌های وابسته به آن­را گروه تروریستی خواند (<https://fa.shafaqna.com/news/734487/>).

تحلیل بیانات و وضعیت حادثه مذکور حاکی از آن است که بیشتر مقامات جمهوری اسلامی ایران در زمان مذکور تاکید بر اقدامات متقابل داشتند و با اعلام رسمی این موضع را به اجرا گذاشتند. مجلس نمایندگان نیز با طرح­های دو و سه فویتی حمایت از سپاه که اقداماتی مناسبی نیز بود از سپاه حمایت به­عمل آورد. اما نکته­ای که وجود دارد این است که اقدام آمریکا در تروریستی خواندان سپاه که یک نهاد حاکمیتی می­باشد نقض حقوق بین­الملل می­باشد و اینکه در مقابل یک اقدام غیرقانونی تاکید بر اقدام متقابل داشتند تا حدودی خود دچار تناقض است چرا که حقوق بین­الملل اقدام متقابل را جایز نمی­داند. نگارنده بر این نظر است که اساسا رویه آمریکا حاکی از این است که منافع خود بر حقوق بین­الملل ارجحیت داشته و رجحان را به برتری حقوق داخلی خود بر حقوق بین­الملل داشته است و با توجه به جایگاهی که در عرصه بین­الملل داشته است با استفاده از ابزارهای در اختیار تا حدودی توانسته است قوانین داخلی خود را جاری و ساری نماید. به­نظر می­رسد آثار تروریستی خواندن سپاه پاسداران را باید در ترور سردار سلیمانی یافت. از نظر نگارنده آمریکا همواره به­دنبال ایجاد یک زمین بازی برای اجرای طرح­های خود می­باشد در واقع ایالات متحده آمریکا در تروریسم خواندن سپاه دو هدف داشت. هدف اول ارزیابی کنش و واکنش­های ایران، در عرصه داخلی و عرصه بین­المللی بود و در هدف دوم آماده­سازی افکار عمومی آمریکا جهت اقدامات بعدی این کشور علیه سپاه پاسداران در منطقه غرب آسیا بود. نکته حائز اهمیتی که وجود دارد این است که در عرصه حقوق بین­الملل می­بایستی جامعه بین­المللی تلاش نماید تا از رویه شدن اقدامات غیرقانونی جلوگیری نماید. این اقدام غیرقانونی آمریکا در عرصه بین­الملل با استقبال روبه­رو نشد تا جایگاهی فراهم نماید ولی به­نظر می­رسد جمهوری اسلامی ایران را وارد عرصه بازی سیاسی خود نمود و با اقدام متقابل ایجاد رویه شدن یک اقدام غیرقانونی در اقدام متقابل را فراهم نمود.

**5. جایگاه سپاه پاسداران در حقوق داخلی و حقوق بین­الملل و تحلیل اقدام آمریکا از منظر حقوق بین­الملل**

زمینه­های شکل­گیری نیروهای مستشاری جمهوری اسلامی ایران را باید در تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به­عنوان نهاد اصلی حافظ دستاوردهای انقلاب جستجو کرد. ایجاد سپاه پاسداران ریشه در فرهنگ راهبردی شکل گرفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی دارد. فرهنگ راهبردی به تأثیر عوامل فرهنگی بر رفتارهای راهبردی امنیتی کشورها می­پردازد و معتقد است که رفتار یک دولت به­طور کامل در واکنش به عملکرد دیگران صورت نمی­گیرد؛ بلکه بر فرهنگ خاص آن کشور مبتنی است. از این­رو مجموعه­ای از باورها، مفروضات و شیوه­های رفتاری بر گرفته از تجربه­های مشترک و روایت­های پذیرفته شده (شفاهی و مکتوب) را شامل می­شود که ضمن شکل دادن و معنابخشی به هویت جمعی، روابط امنیتی با گروه­های دیگر را تعیین می کند(وزیریان، 1399: 60)

بنابر قانون اساسی، سپاه پاسداران نه تنها حفظ و حراست از مرزها، بلکه بار رسالت مکتبی-یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در در جهان را نیز عهده­دار خواهند بود که مصداق آیه 60 سورهی انفال در قرآن کریم است: )وَ اَعِدُوالَهُم مَااستَطَعتُم مِن قُوَه وَ مِن رِباطُ الخَیل تُرهَبوُن بِه عَدُوَالله وَ عَدُوکُم وَ آخَرین مِن دوُنَهُم» و بر طبق این آیه 60 سوره انفال، در برابر دشمنان خدا، باید مسلمانان همه قوای خود را آماده گردانند و خویش را مجهز نمایند. از آنجا که در مشی ایدئولوژیک هویتی جمهوری اسلامی، تنها اسلام راستین یا به تعبیری «ناب محمدی» اسلامی است که انقلاب اسلامی معرفی می­کند، به این جهت دیگر مکاتب اسلامی، حداقل آنها که در برابر این برداشت از اسلام، ایستادگی می­کنند، همچون وهابی­ها، تکفیری­ها و... مسلمان واقعی به­شمار نرفته و باید با آنان مقابله کرد. در برابر باید از کسانی که از اسلام ناب محمدی حمایت می­کنند، هم­چون دولت سوریه، حمایت کرد. بنابراین، میتوان درک کرد که چرا جمهوری اسلامی ایران، طبق آیه مذکور، حضور مستشاری در سوریه یافته و حمایت همه­جانبه از آن کرده است تا دشمنان تکفیری آن، نابود شوند. بنابراین، این امری فراتر از منافع ساختاری ایران در نظام بین­الملل است، منافعی که دیگر کشورهای حاضر در بحران سوریه، تنها در پی برآورده کردن آن برای خود هستند(مرادی، 1399: 13).

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به­عنوان یکی از اصلی­ترین نهادهای نظامی جمهوری اسلامی ایران محسوب می­شود و از جمله اصلی­ترین ساختارهایی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی براساس الگوی مشارکت مردمی طراحی گردید. ماده 151 قانون اساسی ایران به­عنوان اساسنامه تشکیل سپاه (مصوب 15/16/1361) ابعاد قانونی شکل­گیری این نهاد را در کشور ایران تشریح می­کند که در آن تصریح شده است: « سپاه پاسداران انقلاب اسلامي كه در نخستين روزهاي پيروزي اين انقلاب تشكيل شد، براي ادامه نقش خود در نگهباني از انقلاب و دستاوردهاي آن پابرجا مي‌ماند. حدود وظایف و قلمرو مسئولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو مسئولیت نیروهای مسلح دیگر با تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها به وسیله قانون تعیین می­شود». مأموریت­های محوله به سپاه را برای تأمین امنیت ملی می­توان در اساسنامه مصوب 15/06/1361 مجلس شورای اسلامی و قانون مقررات استخدامی سپاه، مصوب 21/07/1370 مجلس شورای اسلامی مشاهده کرد. سپاه وظیفه دارد همکاری لازم را برای مأموریت­های مشترک با ارتش جمهوری اسلامی و نیروی انتظامی به انجام برساند(منتظران، جعفری، 1399: 18). به موجب ماده اول اساسنامه سپاه پاسداران: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نهادی است تحت فرماندهی عالی مقام رهبری که هدف آن نگهبانی از انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن و کوشش مستمر در راه تحقق آرمان های الهی و گسترش حاکمیت قانون خدا طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران و تقویت کامل بنیه دفاعی جمهوری اسلامی از طریق همکاری با سایر نیروهای مسلح و آموزش و سازماندهی نیروهای مردمی می باشد».

حقوق بین‌الملل با هدف اجرای مفهوم حاکمیت اختیارات گسترده‌ای در زمینه تقنین، اجرا و قضاوت برای دولت‌ها مفروض داشته است که از جمله این موارد «قانون‌گذاری در مورد شکل‌گیری نهاد‌های نظامی و انتظامی و تعیین دستور کار هر یک» می‌باشد. برهمین اساس جمهوری اسلامی ایران همانند سایر کشور‌ها سازمان‌های نظامی مانند ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تشکیل داده است. حقوق بین‌الملل بنابر اصل «حاکمیت سرزمینی» جمهوری اسلامی ایران را در این مورد کاملاً آزاد گذاشته است و استثنائاتی را هم در این باره لحاظ نکرده است(<https://rasanews.ir/fa/news/602126/>).

یکی از موضوعاتی مهم در حقوق بین­الملل صلاحیت­های دولت می­باشد و بحث درباره صلاحیت های دولت می­تواند ما را در حل این مساله یاری نماید. صلاحیت «آن قسم اختیارات حقوقی است که حقوق بین­الملل به یک دولت واگذار می­کند یا برای وی به رسمیت می­شناسد. با این هدف که به بررسی در باره قضیه­ای بپردازد، تصمیم­گیری کند و اختلافی را حل و فصل کند.» (کک دین، دییه، پله، 1382: 755) یکی از صلاحیت­هایی که حقوق بین­الملل برای دولت­ها در نظر گرفته و آن را به­رسمیت شناخته است موضوع «حاکمیت سرزمینی» می­باشد (کک دین، دییه، پله، 1382: 758). در زمینه حاکمیت، ماکس هوبر معتقد است: «حاکمیت در روابط مابین دولت­ها به معنی استقلال است است و استقلال بالنسبه به یک بخش از کره زمین عبارت است از حق اعمال و اجرای وظائف دولتی در آن بخش بدون حضور و دخالت دولت­های دیگر. توسعه سازمان ملی دولت­ها در طی قرن­های اخیر و توسعه حقوق بین­المل به­عنوان نتیجه منطقی آن اصل صلاحیت انحصاری هر دولت را در خصوص سرزمین خاص آن دولت به گونه­ای مستقر ساخته است که از اصل مذکور عزیمتگاه حل و فصل بسیاری از مسائل مربوط به روابط بین­الملل ساخته و پرداخته شده است» (کک دین، دییه، پله، 1382: 755). «حقوق بین­الملل برای دولت این حق را به­رسمیت می­شناسد که براساس ارزیابی دلخواهانه خود به اجرای کلیه وظایف فرمانروایی بپردازد که هدف­شان تسهیل فعالیت­های جاری در سرزمین است». «از لحاظ مادی صلاحیت دولت بر تمامی وظایف دولتی اعمال می شود: از سازمان مبتنی بر قانون اساسی گرفته تا کم مایه ترین مقررات انتظامی در قلمرو نظم عمومی و در نظم اقتصادی و همچنین از قواعد اعطای ملیت و تابعیت گرفته تا کوچکترین وظایف اداری و آماری. این وظایف ممکن است به طرق مختلف اجرا شوند مانند: فرآیند قانونگذاری، تصویب مقررات، رسیدگی قضایی: مدنی و جزائی، سازمان اداری مشخص در عین توجه به تمامی تنوعات اعمال حقوقی مربوط ومتناسب با این شیوه های گوناگون مداخله» (کک دین، دییه، پله، 1382: 776-777). بنابراین حقوق بین­الملل اصل را بر این قرار داده است که دولت به­منظور اجرای مفهوم حاکمیت اختیارات گسترده­ای در زمینه تقنین، اجرا و قضاوت داشته باشند که از جمله این موارد قانونگذاری در مورد شکل­گیری نهادهای نظامی و انتظامی و تعیین دستور کار هر یک می­باشد که در جمهوری اسلامی ایران بر این اساس و نیز بر طبق قانون اساسی در بخش نظامی دو سازمان نظامی ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با شرح وظایف مشخص تشکیل شده­اند و از این جهت حقوق بین­الملل بنا بر اصل مذکور دولت جمهوری اسلامی ایران را در این مورد کاملا آزاد گذاشته است و استثنائاتی هم که بر گستره قلمرو حاکمیت ملی در حقوق بین­الملل مطرح می­شود هیچ یک تشکیل و دستور کار این نیروها را شامل نمی­شود. بنابراین در یک کلام با توجه به اینکه حقوق بین­الملل حاکمیت سرزمینی را به­عنوان یکی از اصول مبنایی خود به­رسمیت شناخته و اختیارات وسیعی به وی در زمینه امور حاکمیتی داده است که تشکیل نیروهای نظامی و انتظامی و تعریف شرح وظایف هر کدام از آنها از جمله این امور حاکمیتی به­رسمیت شناخته شده می­باشد لذا تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در کنار ارتش به­عنوان یکی از دو بازوی نظامی کشور کاملا با حقوق بین­الملل سازگار می­باشد (پرسمان دانشگاهیان، 1395).

علاوه­براین تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با حقوق بین­الملل به استناد منشور ملل متحد سازگار می­باشد. چرا که در بند 7 ماده دوم منشور ملل: «اصل عدم مداخله در امور حاکمیتی کشورها را ممنوع دانسته و آن­را در صلاحیت دولت­ها دانسته است» از طرفی حفظ نظم و امنیت اعم از امنیت شهروندان، حکومت، امنیت سرزمین و... از جمله اموری است که دولت را موظف به تشکیل سازمان های نظامی و انتظامی می­سازد و در واقع تشکیل چنین سازمان هایی و ارائه شرح وظایف به هر کدام در راستای هدف مذکور در صلاحیت ذاتی دولت می­باشد و در نتیجه منشور ملل متحد جامعه بین­المللی را از هر گونه دخالتی در که نحوه تنظیم این سازمان­ها و نیز شرح وظایف آنها ممنوع می­سازد و تاسیس این سازمان­ها را در صلاحیت داخلی کشورها می­داند. در نتیجه هیچ یک از نهادهای بین­المللی صلاحیت اظهار نظر در اموری که جزء صلاحیت­های ذاتی و داخلی کشورها و دولت­ها می­باشد را ندارند که از جمله این موارد، تشکیل و سازماندهی نیروهای مسلح اعم از نیروهای نظامی و انتظامی می­باشد. فلذا تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی امری کاملا مشروع و مطابق با حقوق بین­الملل می­باشد (پرسمان دانشگاهیان، 1395). بنابراین اقدام آمریکا ناقض حقوق بین­الملل می­باشد.

**1-5 نقض منشور ملل متحد**

بر اساس نص صریح منشور ملل متحد (ماده 39)، وظیفه تعیین موارد تهدید علیه صلح، نقض صلح و امنیت بین­المللی و تجاوز با شورای امنیت می­باشد. اقدامات تروریستی منطبق با موارد مذکور می­باشد. لذا تعیین و شناسایی گروه­ها و سازمان­های تروریستی با شورای امنیت می­باشد و اقدامات یکجانبه دولت­های عضو بر اساس بند 7 ماده 2 منشور، مردود می­باشد و نقض قواعد و اصول بین­المللی است و اقدامی کاملا داخلی است. از سویی دیگر بر اساس بند 1 ماده 1 منشور ملل متحد و قطعنامه­های مجمع عمومی و شورای امنیت[[3]](#footnote-3)، مقابله با تروریسم، اقدامات تروریستی و گروه­های تروریستی و حتی کشورهای حامی تروریسم، یک اقدام جمعی با راهبری و نظارت مراجع بین­المللی چون سازمان ملل متحد، شورای امنیت و ... می­باشد. اگر چه بر دفاع فردی دولت های متضرر از تروریسم نیز تأکید شده است (قطعنامه 1368)، اما این مهم در چارچوب ماده 51 منشور ملل متحد و پس از احراز تروریستی بودن اقدام و گروه هدف، امکان­پذیر خواهد بود و تجویز شده است. لذا اقدامات یکجانبه وجاهت و ماهیت بین المللی و الزام­آور نخواهند داشت(دهدشتی اردکانی، 1398).

**2-5 نقض اسناد بین­المللی مرتبط با حقوق جنگ**

تعریف سپاه پاسداران که نیروی نظامی رسمی ایران است، به‌عنوان «گروه تروریستی» توسط آمریکا، بسیاری از قواعد عرفی و معاهدات قرارددادی خاصه مباحث در خصوص نیروهای نظامی و قواعد حاکم بر روابط سازمانی و نظامی آنها را در جامعه­بین­المللی نقض می­نماید. در واقع این اقدام ناقض اصول و قواعد حقوق بشردوستانه بین­المللی و کنوانسیون­های چهارگانه 1949 ژنو و پروتکل­های الحاقی 1977 می­باشد که دارای ماهیتی عرفی (Corfu Channel, 1949 I.C.J. 4 (9 April) ) para. 22; (Nicar. V US) 1986 I.C.J. 14 (27 June) para. 292. 15, para 215. 16) می­باشند.

**3-5 نقض کنوانسیون مصونیت دولت‌ها و اموال متعلق به آن‌ها**

در بیانیه وزارت خارجه آمریکا در تروریستی خواندن سپاه پاسداران، سپاه پاسداران را جدا از دولت ایران مد نظر قرار داده است و منکر تروریستی خواندن دولت و بخشی از دولت خارجی شده است. چون در این صورت بر مبنای اصل مصونیت دولت­ها که ناشی از قاعده آمره بین­المللی حاکمیت برابر (ماده منشور ملل متحد) می­باشد، آمریکا مسئولیت بین­المللی دارد. در صورتی که سپاه پاسداران بر اساس اصل 150 قانون اساسی جزئی از حاکمیت ایران می باشد و اقدامات و افعال او، منتسب به حاکمیت می­باشد. از سویی دیگر بر اساس تعریف دولت در ماده 2 کنوانسیون سازمان ملل متحد در موضوع مصونیت قضایی دولت ها و اموال آن ها، سپاه پاسداران جزئی از دولت جمهوری اسلامی ایران می­باشد و اقدام یک جانبه آمریکا، نقض کنوانسیون مذکور و اصل مصونیت دولت­ها می باشد. از سویی دیگر بر اساس ماده 5 همین کنوانسیون، محاکم داخلی آمریکا نمی­توانند اقدامات قضایی علیه سپاه پاسداران که رکنی از حکومت جمهوری اسلامی ایران می­باشد، لحاظ نمایند و این نهاد و اعضای آن را مورد پیگرد قضایی و قانونی قرار دهند. لذا بر اساس ماده 4 پیش نویس طرح معاهده مسئولیت بین­المللی کشورها در برابر اعمال متخلفانه بین­المللی 2001 و ماده 53 عهدنامه حقوق معاهدات 1969 وین (نقض قاعده آمره بین­المللی توسط آمریکا)، مسئولیت بین­المللی آمریکا محرز می­باشد(حیدرپور، عباسیان، 1398: 147). بنابراین هرگونه اقدام دولت امریکا علیه اموال دولت ایران ازجمله اموال متعلق به سپاه پاسداران به‌عنوان بخشی از بدنه دولت ایران، موجب نقض کنوانسیون مصونیت دولت‌ها و اموال متعلق به آن‌ها بوده و مغایر با حقوق بین‌الملل است، و به جهت کلی نیز، اقدام آمریکا، ناقض حقوق بین‌الملل قراردادی و اصل مصونیت دولتی محسوب می‌شود(منتظران، 1398).

**4-5 نقض حاکمیت جمهوری اسلامی ایران**

برابر اصل 150 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران بخشی از نیروی نظامی ایران محسوب می‌شود. بر این اساس باید گفت که سپاه بخشی از قانون ما محسوب شده و از نگاه حقوق بین‌الملل، نمی‌توان بخشی از قانون یک کشور را به­عنوان گروه تروریستی اعلام کرد. «از سوی دیگر، سپاه پاسداران یک نیروی بسیج دارد که اصطلاحاً یک لشکر 20 میلیونی محسوب می‌شود و عملاً باید گفت که آمریکا با این اقدام خود، نیمی از جمعیت بزرگسال کشور را تروریست خطاب کرد. که از منظر حقوق بین‌الملل پذیرفتنی نیست» (احمدی، 1398). بنابراین سپاه پاسداران، یک نیروی نظامی رسمی یک دولت عضو سازمان ملل است که از تمام ویژگی‌ها و معیارهای یک نیروی نظامی بهره‌مند‌است و اختیار خود را از قانون اساسی کشور می‌گیرد؛ یک ساختار فرماندهی و تصمیم‌سازی مشخص و تعریف‌شده دارد؛ و دارای یک آیین‌نامه نظامی مصوب است که سازمان و اعضای آن را مقید به­رعایت قوانین داخلی ایران و حقوق بین‌الملل در حوزه منازعات مسلحانه می‌دانند. بـا تـوجه به اصول ‌قانون اساسی و ماهیت سپاه پاسداران که بخشی از توان نظامی رسمی ایران محسوب می‌شود، از نگاه حقوق بین‌الملل نمی‌توان یک ساختاری که از قانون اساسی آن کشور نشات گرفته است را تروریستی نامید (منتظران، 1398).

البته رویه بین­المللی نیز حاکی از پذیرش سپاه پاسدارن به­عنوان نیروی نظامی رسمی جمهوری اسلامی ایران می­باشد. «سپاه پاسداران در حال حاضر در 15 کشور دارای وابسته نظامی از طرف جمهوری اسلامی ایران می­باشد»(رمضان، 1391). همچنین از بدو تاسیس تاکنون در کشورهای مختلف به­عنوان مستشار نظامی فعالیت رسمی داشته است که هیچ­گاه به­طور رسمی مورد اعتراض مجامع بین­المللی واقع نشده است. هر چند عامل ایجاد گروه­های تروریستی در منطقه (آمریکا)، پس از ناکامی در مقابل نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه سعی در خدشه دار نمودن وجه نیروی مذکور داشته است.

**6. حقوق بین­الملل و منع ترور هدفمند فرماندهان نظامی**

علی­رغم اجماع بین­المللی در تهدید بودن تروریسم علیه صلح و امنیت بین المللی و پیامدهای مخرب بین­المللی آن، بر مبنای نگاه ابزاری آمریکا و غرب به تروریست و به­کارگیری راهبرد تروریست خوب و بد، در مصادیق گروه­ها و سازمان­های تروریستی و شناسایی آنها در نظام بین­الملل، اتفاق نظر وجود ندارد. آنچه در معاهدات و قطعنامه­های بین­المللی گفته شده است و مورد اجماع می باشد، مباحثی کاملاً کلی و محتوایی می­باشد. در واقع دو نگرش کلی در تعریف تروریسم و تعیین مصادیق آن در نظام بین­الملل وجود دارد که تمایزی مبنایی، محتوایی و اعتقادی دارند. در نگاه اول که غالب نیز می­باشد، هر گونه تحرکات خشونت طلبانه و مسلحانه علیه نظام­های سیاسی را مشمول اقدامات تروریستی می­داند. اما نگاه دوم، مبارزات آزادی­خواهانه را علیه نظام­های دیکتاتوری، جزء اقدامات تروریستی نمی­داند. لذا این تمایز مبنایی و اعتقادی، مانع جدی در تعریف واحد از تروریسم و تعیین گروه­ها و سازمان­های تروریستی در نظام بین­الملل می­باشد(دهدشتی اردکانی، 1398).

جنگ با تروریسم، یک رشته عملیات جنگی است آمریکا، بریتانیا و تعدادی کشور دیگر به­منظور مبارزه با گروه­هایی که از دید این کشورها تروریست قلمداد شده­اند و همچنین دولت­های پشتیبان این گروه­ها طراحی و آغاز کردند. منظور و استدلال رئیس جمهور پیشین آمریکا جرج دبلیو بوش از کشورهای پشتیبان تروریسم، کره شمالی، لیبی، عراق، سوریه، افغانستان و کوبا بودند. این کشورها از دیدگاه دولت آمریکا تهدیدی برای آمریکا و کشورهای غربی و جهان به­شمار می­آمدند. لازم به ذکر است که دکترین جنگ با تروریسم (دکترین بوش) هیچ جایگاهی در حقوق بین­الملل نداشته و صرفاً زاییده تفکر جنگ طلبانه وی در راستای زیاده­خواهی­های منافع آمریکا در منطقه بوده است (نیکنژاد، ابولحسنی، 1399: 22).

**1-6 ترور سردار سلیمانی از منظر حقوق بین­الملل**

حضور سپاه پاسداران در قالب اقدامات مستشاری در عراق، سوریه، لبنان، مانعی در تحقق و اجرایی نمودن طرح مذکور می باشد. لذا از نظر آمریکایی ها، ضرورت دارد که سپاه پاسداران از این مناطق خارج شود. یکی از اهداف اقدام آمریکا در تروریستی خواندن سپاه که مورد اذعان سیاستمداران و سناتورهای آمریکایی نیز می­باشد، مقدمه سازی جهت حمله مستقیم نظامی به پایگاه­های سپاه پاسداران در مناطق مذکور می­باشد. سناتور جمهوری خواه (رند پائول) در 10 آوریل 2019 با اذعان به عدم اختیار دولت آمریکا در حمله نظامی به ایران و در نقد اقدام دولت اعلام کرد "من با صراحت به شما بگویم که کنگره به شما قدرت و اختیار راه اندازی جنگ با ایران را نداده است". از سویی دیگر جیسون بلازکیس (مدیر سابق وزارت خارجه آمریکا در امور مبارزه با تروریسم) در نقد اقدام دولت آمریکا گفت: "یکی از دلایل رخ دادن چنین مسئله­ای، احتمالا این است که منفعت واقعی در انجام اقدامات مستقیم علیه سپاه پاسداران می­باشد (حیدرپور، عباسیان، 1398: 147). به­نظر می­رسد برون­داد وقایع مذکور ترور سردار سلیمانی می­باشد.

شهید سپهبد قاسم سلیمانی در شهریور 1359 با یک مأموریت 15 روزه در جبهه جنگ حضور یافت و تا آخر عمر سرباز وفادار جبهه حق علیه باطل باقی ماند. در طول دوران دفاع مقدس، در عملیات­های زیادی ازجمله والفجر 8، کربلای 4، کربلای 5 و تک شلمچه حضوری مؤثر داشت. پس از جنگ تحمیلی، میدان مبارزه برای سردار مقاومت، نه تنها تمام نشد، بلکه ابعاد آن گسترش یافت و در سال 1376 مسئولیت نیروی قدس را پذیرفت. تقویت حزبالله لبنان و گروه­های مبارز فلسطینی به­ویژه نقش مؤثر وی در پیروزی جنگ 11 روزه حزبالله لبنان با رژیم صهیونیستی ازجمله مهمترین دستاوردهای فرماندهی سپاه قدس بود. اما آنچه نام حاج قاسم را بیش ازپیش بر سر زبان­ها انداخت و از آن چهرهای بین­المللی و جهانی ساخت، مبارزه با گروه تروریستی داعش بود. نقش­آفرینی در شکست گروه صهیونیستی تروریستی داعش و تقویت محور مقاومت، نه تنها به شهید سپهبد سلیمانی شخصیتی بین­المللی بخشید، بلکه ترس و وحشت را در دل دولتمردان امریکایی و رژیم صهیونیستی انداخت (مصیری، 1399: 17-16). همین امر منجر به تصمیم ترور وی توسط رئیس جمهور آمریکا و مقامات آمریکایی شد.

بامداد سيزدهم دي 1398 مصادف با سوم ژانويه2020 ، رسانه­هاي جهان خبر غيرمترقبه­اي ترور مؤثرترين فرمانده جبهه­ي مبارزه با تروريسم تكفيري در منطقه به­دست نيروهاي امريكايي و به فرمان مستقيم رئيس جمهور اين كشور، را مخابره كردند كه قاطبه مردم ايران و جمعيت­هاي كثيري از ساير ملل منطقه را در بهت و اندوهي ژرف فروبرد، و نگراني عميق بسياري از مقامات سياسي و امنيتي را حتي در ايالات متحده امريكا برانگيخت (فضایلی، 1399: 152). در حالی که از نگاه حقوق بين­الملل توسل به زور، ترور يك مقام عالي رتبه نظامي دولتي، نه در ميدان نبرد كه در سفري رسمي، نه براي ماموريت نظامي بلكه ماموريتي سياسي به­منظور گفتگو با مقامات رسمي كشور ميزبان در راستاي كاهش تنش­هاي منطقه­اي، کاملا ناقض حقوق بین­الملل می­باشد.

سردار سلیمانی به­عنوان یک فرمانده عالی­رتبه و عضو رسمی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران داری مصونیت بین­المللی بوده است و در حقوق بین­الملل هیچ ترتیبی برای تروریسم قلمداد نمودن فرماندهان عالی­رتبه نظامی و اساسا نیروهای نظامی وجود ندارد. هر چند ممکن است از نیروهای نظامی به­علت نقض قواعد بنیادین حقوق بین­الملل بشردوستانه آنهم تحت شرایطی خاص سلب مصونیت نمود.

براساس ماده 1 کنوانسیون وین درباره ماموریت­های ویژه، مصوب 1969 و ماده 21 و 31 آن ناظر به مصونیت­ها و مزایای مقامات عالی­رتبه می­باشد و متاثر از ماده 31 کنوانسیون حقوق دیپلماتیک وین (1961) می­باشد. باوجود الحاق دولت ایران بدان کنوانسیون، دولت عراق بدان نپیوسته است، اما نظر به جایگاه کنوانسیون مزبور در حقوق بین الملل عرفی، در چهارچوب عرف در روابط دولت­های ایران و عراق جاری است. بااین­وجود، سردار سلیمانی در قالب همکاری بین­الدولی ایران و عراق، به عراق تردد داشت و از این جهت، حضور نظامی وی در خاک کشور عراق، با هماهنگی و رضایت دولت بغداد بوده است. نظر به آنکه، حضور وی به­عنوان یک مقام ارشد نظامی ایران بوده و دارای مصونیت­های حقوقی و بین­المللی شناسایی شده در مأموریت­های خارجی در کشور میزبان (عراق) بوده است؛ حمله نظامی انجام شده نسبت به وی و همراهانش در خاک عراق؛ استقلال سیاسی و حاکمیت ملی دولت عراق را که در منشور سازمان ملل متحد و نیز در اسناد و مدارک معتبر بین­المللی به­عنوان اصول بنیادین و مرتبط با قواعد آمره بین­المللی مورد تأکید قرار گرفته است، به­طور توأمان نقض نموده است(زمانی درمزاری، 1398).

گرچه، وضعیت مستند پاسپورت سردار سلیمانی و همراهان وی و نیز مستند دعوت رسمی دولت عراق از وی در سفر به آن کشور به­مانند مستند توافق همکاری مستشاری دولت عراق با دولت ایران تاکنون، بنا به ملاحظات امنیتی و نظامی منتشر نشده است و از مفاد دقیق آن از حیث حقوقی، اطلاعی در دست نیست، اما، نظر به سفر سردار سلیمانی، بنا به­دعوت دولت عراق و حضور در آن کشور با رضایت دولت عراق به­عنوان دولت میزبان، مصونیت مستشاران نظامی ایران نزد دولت میزبان به­موجب کنوانسیون مأموریت­های ویژه که امروزه به­عنوان عرف بین­المللی پذیرفته شده است، پیش­نویس طرح کمیسیون حقوق بین­الملل در خصوص مصونیت کیفری مقامات دولتی نزد دادگاه­های سایر دولت­ها و وجود قراردادهای نظامیِ متعددی که در آن به مصونیت نیروهای مستشاری نوعا،ً تصریح می­گردد، مصونیت وی به­عنوان فرستاده نظامی دولت ایران قابل احراز می­باشد(زمانی درمزاری، 1398**)**.

بنابراین براساس سنجه­هاي حقوقي بين­المللي، اقدام دولت امريكا فاقد هرگونه وجاهت حقوقي بوده و مصداق مسلم توسل به­زور غيرقانونيِ مغاير منشور ملل متحد محسوب مي­شود، همچنين ناقض توافقات دوجانبه امريكا با عراق به ويژه موافقتنامه امنيتي بوده و مطابق مفاد اعلاميه تعريف تجاوز و اساسنامه رم، مصداق عمل تجاوز شناخته مي­شود و موجبات مسئوليت بين­المللي دولت امريكا و مسئوليت كيفري عوامل دخيل در ارتكاب اين اقدام نامشروع را فراهم مي­نمايد(فضایلی، 1399: 152).

**2-6 ممنوعیت ترور هدفمند سردار سلیمانی**

در عرصه بین­المللی، کشورها از ابزارهای متنوعی مشتمل بر اقدامات قهری و غیرقهری نظیر شناسایی و دستگیری مرتکبین اقدامات تروریستی و محاکمه آنها، اقدام متقابل تلافی­جویانه و دفاع مشروع در مبارزه با تروریسم استفاده کرده­اند. ایالات متحده آمریکا از چندی پیش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در لیست سازمانهای تروریستی قرار داده و به این بهانه همواره سعی داشته هرگونه اقدامی در هدف قرار دادن فرماندهان سپاه در هر مکانی از جهان را با توجیه دفاع مشروع از طریق ابزار جنگ علیه تروریسم مشروعیت بخشد(نیکنژاد، ابولحسنی، 1399: 22). از جمله تروریسم قلمداد نمودن سپاه پاسداران و متعاقبا ترور سردار سلیمانی.

در پاسخ به این ادعا باید گفت که **اولاً** ترور هدفمند سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس که در طی سالیان گذشته ضربات مهلکی را بر پیکره­ی گروه­های تروریستی به­خصوص داعش وارد کرده بودند، نه تنها مشمول دفاع مشروع و جنگ با تروریسم نیست بلکه مصداق بارز تروریسم بین­الملل از جانب دولت آمریکا تلقی می­شود. **ثانیاً** مستند به مقررات مندرج در بند 3 ماده 2 و نیز ماده 33 منشور ملل متحد، اختلافات بین­المللی قبل از هر چیزی باید با ابزارهای مسالمت­آمیز و از طریق انتخاب آزادانه هر یک از روش­های مذاکره، تحقیق، میانجیگری، سازش، داوری، تصفیه قضایی، توسل به مؤسسات و ترتیبات بین­المللی به­منظور حفظ صلح و امنیت بین­المللی، حل و فصل شوند. به­دنبال تصویب منشور تا کنون طی اعلامیه­ها و قطعنامه­های متعدد، مجمع عمومی سازمان ملل متحد همواره بر ضرورت حل و فصل مسالمت­آمیز اختلافات تاکید داشته است. این در حالی است که مقامات آمریکا برخلاف منشور ملل متحد به یک­باره از گزینه جنگی برای پیشبرد اهدافشان استفاده نمودند. **ثالثاً** مطابق با قواعد بین­الملل حقوق بشر استفاده از تسلیحات مرگبار تنها زمانی می­تواند مورد استفاده قرار بگیرد که برای دور کردن یک تهدید جدی، به این تجهیزات نیاز اساسی وجود داشته باشد. موضوعی که کالامار گزارشگر ویژه سازمان ملل در خصوص آن بیان داشته بود: اقدام رئیس جمهور آمریکا دونالد ترامپ در ترور سردار سلیمانی در چارچوب درگیری­های مسلحانه، اقدامی بی­سابقه و نقض قوانین بین­المللی و منشور ملل متحد است. از همین روی، ایالات متحده در ادامه توجیه­های بدون مبنای خود «تهدید» و خطر حمله» قریب­الوقوع یا حتمی» به منافع آمریکا و مشروعیت بخشیدن به تجاوز نظامیاش در قالب دفاع مشروع پیشگیرانه یا پیش­دستانه برآمد. (نیکنژاد، ابولحسنی، 1399: 23).

رویکرد دفاع پیشگیرانه که از آن با عنوان جنگ بازدارنده نیز نام می برند، هیچ گاه مورد تائید همه جانبه و حتی حمایت نسبی نیز قرار نگرفت، چراکه حمله پیشگیرانه در برابر امنیت آتی و حفظ منافع حیاتی مطابق چنین تفسیر موسعی صحیح نمی باشد. از آنجایی که تدوین کنندگان منشور ملل متحد حفظ صلح و امنیت بین­المللی را به عنوان اصلی تخطی ناپذیر در این سند مهم گنجانیده و وظیفه پاسداری و حراست از آن را طبق بخش هفت منشور بر عهده شورای امنیت نهاده اند، تشخیص شورای امنیت در خصوص تجاوز و مفهوم و مصادیق آن ضروری می باشد؛ بنابراین جدای از تشخیص شورای امنیت تصمیم گیری یک دولت مبنی بر حمله به دولت یا گروهی خلاف روح موازین منشور سازمان ملل و جامعه بین­المللی می باشد.

یقینا یکی از توجیهات آمریکا مبتنی بر این ادعا است که چون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه آوریل 2019 وزارت خارجه آمریکا، سازمانی تروریستی یاد شده است، بر این اساس هرگونه اقدامی در هدف قرار دادن فرماندهان سپاه در هر نقطه ای از جهان مصداق دکترین مبارزه با تروریسم مدنظر آمریکا و مشروع است. در پاسخ می­توان گفت که اولاً هنوز توافق کاملی در مورد مفهوم جهانی جنگ علیه تروریسم وجود ندارد. ثانیاً تروریستی تلقی شدن نیروهای نظامی سپاه پاسداران از منظر حقوق بین الملل مغایر با تضمین صلح و تحکیم امنیت جهانی، ناقض احترام به اصول سیاسی حقوق بین­الملل یعنی تساوی حقوقی دولت­ها، عدم مداخله، همکاری و دوستی و احترام به استقلال و تمامیت ارضی دولتها در میان اعضای جامعه ی بین المللی در پرتو اهداف سازمان ملل متحد است و در مجموع به علت عدم برخورداری از مشروعیت حقوقی بین­المللی، فاقد وجاهت بین­المللی است(منتظران، 1398).

براین اساس حمله به اعضای سپاه پاسداران از سوی آمریکا، به بهانه مقابله با تروریسم، نمی تواند به عنوان هدفی مشروع تلقی شود، بلکه برعکس بحث غیرقانونی بودن اقدام دولت ترامپ بر اساس حقوق داخلی این کشور نیز به میان می­آید، چنانچه بسیاری در آمریکا بر این باورند که دونالد ترامپ برای چنین عملیاتی که ممکن است آمریکا را به جنگی بین­المللی بکشاند، باید از کنگره این کشور مجوز لازم را اخذ می­کرد.

علاوه بر این، میان ترور سپهبد قاسم سلیمانی به­عنوان یکی فرماندهان ارشد سپاه پاسداران و نیروهای مسلح ایران، با ترورهای هدفمند پیشین آمریکا ازجمله ترور شبه­نظامیان گروهک­های تروریستی نظیر ملامحمد عمر، رهبر طالبان در افغانستان، قائد سلیم سنان الهراتی از سران ارشد القاعده در یمن (2002) ابومصعب الزرقاوی، رهبر القاعده در عراق (2006) و اسامه بن لادن رهبر القاعده که همگی در فهرست گروه­های تروریستی آمریکا و سازمان ملل بوده­اند، تفاوت اساسی وجود دارد. این تفاوت از آنجا ناشی می­شود که دولت آمریکا برخلاف رویه پیشین خود در از میان بردن اعضای گروهک­های تروریستی شبه­نظامی، این بار فرمانده نظامی و رسمی کشور ایران را مورد هدف ترور خود قرار داده است، این در حالی است که سپاه پاسداران بازوی نظامی رسمی کشور ایران محسوب شده و به مانند گروهک­های شبه­نظامی القاعده و طالبان و ... یک بازیگر غیردولتی و در شمول گروه­های تروریستی سازمان ملل نبوده و نیست. بنابراین اقدام آمریکا در ترور هدفمند فرمانده نظامی ایران به اتهام کشتن آمریکایی­ها و جلوگیری از آسیب­رسانی بیشتر، درواقع بر اساس قواعد حقوق بین الملل، اقدامی نامشروع و غیرقابل پذیرش و مغایر با شرایط و اصول دفاع مشروع است (منتظران، جعفری، 1399: 22). همچنین علیرغم تنش­های بالای میان ایران و آمریکا، دو کشور در وضعیت مخاصمه مسلحانه نبوده­اند تا در این چهارچوب قابل توجیه باشد.

علاوه­براین تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران ازسوی امریکا در حدود قوانین داخلی امریکا می­باشد و استناد به آن در قلمروی سرزمینی کشور عراق وجاهت حقوقی و قانونی ندارد (احمدی، 1398). همچنین در گزارش رسمي ارائه شده به كنگره­ي امريكا، اظهارات و ادعاهاي مقامات دولت ترامپ با چالش­ها و ترديدهاي جدي مواجه شده است. در اين گزارش ازجمله آمده است كه طراحي حمله­اي قريبالوقوع و قطعي بوده كه جان امريكايي­ها را به خطر ميانداخته است، اما مدارك و شواهد محرمانه­ي ارائه شده از سوي شماري از اعضاي كنگره صريحا و رسما مرد انكار واقع شده است. در فراز ديگري از اين گزارش آمده است كه ترامپ در مصاحبه­اي در 10 ژانويه 2020 اظهار داشت: براين باور بوده كه سليماني در حال طراحي حملات گسترده به چهار سفارتخانه­ي امريكا بوده، حال آن كه وزير دفاع در 12 ژانويه گفت گزارش مشخصي حاكي از وجود چنين تهديدي را نديده است. (فضائلی، 1399: 166). در ادامه گزارش يادشده آمده است كه دولت ترامپ همچنين مدعي شده كه حمله به سليماني براي بازداشتن تجاوز آينده ايران بوده است. اما حمله به سليماني در مقايسه با واكنش­هاي قبلي امريكا مانند استقرار سربازان بيشتر با قصد اعلام شده بازدارندگي ايران بسيار سنگين­تر بوده است، آن اقدامات نتوانسته بازدارندگي ايجاد كند با توجه به وقوع حمله راكتي به پایگاه ««K.1 و محاصره سفارت امريكا در بغداد، لذا ادعا شده كه قتل سليماني مي­توانسته تلاشي براي تغيير محاسبات در تصميم­گيرهاي ايران محسوب شود. در مجموع توجيهات ادعا شده از سوي مقامات دولت ترامپ از نظر بسياري اعضاي كنگره و نيز كارشناسان امريكايي فاقد وجاهت كافي بوده و حتي مطابق قوانين و مقررات ايالات متحده امريكا نيز پذيرفتني تلقي نشده است (فضایلی، 1399: 167).

**نتیجه­گیری و پیشنهادات**

تحلیل وقایع مذکور حاکی از آن است که بی­توجهی و عدم واکنش به­موقع و گاها ناصحیح به این قبیل بیانیه­ها و اقدامات می­تواند کشور و جامعه بین­المللی را در وضعیت­های خطرناکی قرار دهد و منجر به ایجاد رویه­های ناصحیح و برخلاف قواعد حقوق بین­الملل گردد. براساس حقوق بین­الملل موضوعه و عرفی اقدام آمریکا در تروریستی خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران به­عنوان یک سازمان تروریستی، اقدامی یکجانبه، وبر مبنای قوانین داخلی آمریکا، و همچنین ناقض منشور ملل متحد و حقوق بین­الملل می­باشد. در عمل نیز اقدامی غیرحقوقی و غیرمتعارف در جامعه بین­الملل می­باشد. به­واقع مغایرت با عرف و حقوق بین­الملل، بی­ثبات سازی، یک جانبه گرایی، افراط و ظلم شاخصه اصلی سیاست خارجی آمریکا در دوران اخیر بوده است که نمونه بارز آن ترور شهید سلیمانی بود.

جمهوری اسلامی ایران با تروریستی خواندن سنتکام و حامی تروریسم نامیدن دولت آمریکا، در چارچوب اقدامات متقابل و بر مبنای حقوق بین­الملل تا حدودی واکنش داخلی مناسبی انجام داد، لیکن در عرصه بین­المللی به­نظر می­رسد نتوانست به­صورت مکفی اقدام مناسبی انجام دهد و صرفا به واکنش­های داخلی و نامه وزیر امورخارجه به شورای امنیت بسنده نمود. و نتیجه این انفعال ترور شهید سلیمانی بود. از این­رو نگارنده بر این نظر است جمهوری اسلامی ایران علاوه­براینکه باید زیرساخت­های قضایی مناسب را در حقوق داخلی جهت تعقیب حقوقی و کیفری نظامیان آمریکایی، ایجاد نماید (البته تاحدودی در این مسیر قرار گرفته است ولی به­نظر می­رسد ناکافی باشد)، بلکه باید در عرصه منطقه­ای و بین­المللی نیز با بهره­گیری از ظرفیت نهادهای بین­المللی و دستگاه دیپلماسی و با تحلیل درست از وقایع پیش آمده و آینده­نگری در پی احقاق حقوق عامه جمهوری اسلامی ایران و نیز احراز مسئولیت بین­المللی آمریکا در نقض قواعد و اصول حقوق بین­الملل باشد. دستگاه دیپلماسی ایران می­بایست ائتلافی منطقه­ای (کشورهای جبهه مقاومت) و بین­المللی (بهره­گیری از ظرفیت کشورهای عضو جنبش عدم­تعهد) علیه این اقدامات تشکیل دهد. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران باید اقدامات حقوقی و قانونی­اش در سطح جهانی نمود پیدا کند و به­رسمیت شناخته شود و آثاری عمیق بر آن مترتب باشد، به­گونه­ای که نهادها و سازمان‌های بین‌المللی یا با ایران همراهی کنند یا توجیهی برای رد این اقدامات نداشته باشند.

آنچه حائز اهمیت است این است که جمهوری اسلامی ایران در عرص میدانی به­درستی توانسته است با اعمال فشارهای امنیتی بر نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه غرب آسیا و همچنین حمله نظامی به پایگاه عین الاسد و نفوذ منطقه­ای به منظور خروج آمریکا از عراق و منطقه بهره کافی را ببرد و رویه شدن چنین اقدامی جلوگیری نماید چراکه قطعا رویه شدن چنین اقداماتی به­نفع جمهوری اسلامی ایران نخواهد بود و خیلی به این موضوع نیاید دامن ده شود. ولی نکته مهم­تر آن است روابط بین­الملل و حقوق بین­الملل دو بخش جدایی ناپذیر در عرصه بین­الملل هستند و کشوری در عرصه جهانی موقق است که به­درستی از این دو بخش بهره ببرد بنابراین از آنجا که براساس حقوق بین­الملل مسئولیت بین­الملی آمریکا در هر دو موضوع تروریستی خواندن سپاه پاسداران و ترور سردار شهید سلیمانی محرز می­باشد ضروری است از ظرفیت حقوقی موجود در جامعه بین­المللی استفاده بهینه ببریم تا از این قبیل اقدامات در آینده جلوگیری شود. ضمن اینکه با اقدام و تصمیم عجولانه منجر به قرار دادن کشور در وضعیتی نامناسب نشویم. به­عبارتی تایید یک اقدام غیرقانونی با اقدام متقابل ممکن است آن­را به رویه تبیدل نماید و بهانه­ای برای اقدامات بعدی در آینده شود. در پایان پیشنهاداتی در این خصوص ارائه می­گردد:

* استفاده از ظرفیت­های کمیته بین­المللی صلیب سرخ و کمیته ملی حقوق بشردوستانه به­منظور تبیین عواقب بشر دوستانه چنین اقداماتی در مخاصمات احتمالی آینده و تشکیل نشست­های بین­الملل با حضور صاحب­نظران برجسته،
* ایجاد کمیته مشترک حقوق بین­الملل و روابط بین­الملل در ستاد کل نیروهای مسلح با محوریت نیروهای مسلح و وزارت امور خارجه به­منظور انسجام هر چه بیشتر در عرصه بین­المللی،
* استفاده حداکثری از وجود اساتید برجسته حقوق بین­الملل و روابط بین­الملل.
* تبیین جایگاه قانونی سپاه پاسداران به عنوان نیروی برخواسته از قانون اساسی و ساختار حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین­الملل با استفاده از ظرفیت رسانه­های بین­الملل داخلی.
* ایجاد کمیته مشترک قضایی در قوه قضاییه با محوریت دستگاه قضا و وزارت امور خارجه به­منظور انسجام هر چه بیشتر در عرصه بین­المللی به­منظور پیگیری مسئولیت بین­الملی آمریکا از طریق نهادهای بین­المللی و محاکمه کیفری افراد درگیر در ترور سپهبد شهید سلیمانی.

**فهرست منابع**

- آنتونی پ. و. راجرز پل مالرب، (سال 1387)، **قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه**، ترجمه کمیتۀ ملی حقوق بشردوستانه»، چاپ دوم، نشر امیر کبیر، تهران.

- ایپسن، ناث، (1387)، «رزمندگان و غیررزمندگان»، حقوق بشردوستانه در مخاصمه مسلحانه، ترجمه کتایون حسین­نژاد ساعد، ویراسته دیتر فلک، انتشارات شهردانش، تهران.

- ابوالفتح، امیرعلی (1398)، «وزارت دفاع و CIA  مخالفند چون تبعات  آن را غیر قابل کنترل می‌دانند»، ۱۷:۲۴ ۱۳۹۸-۱-۱۸، <https://www.farsnews.ir/news/13980118001053/>

- احمدی، نعمت، «تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران خلاف حقوق بین‌الملل است»، ۲۰ فروردین ۱۳۹۸ - ۰۹:۳۱، https://www.datikan.com/news/view/id:8194/

- اساسنامه سپاه پاسداران مصوب 15/6/1361.

- ­

[پرسمان دانشگاهیان، (1398)، «سپاه از منظر حقوق بین­الملل»، ۱۳۹۵/۰۲/۲۳ – ۷۷۷، https://www.porseman.com .](پرسمان دانشگاهیان، (1398)، «سپاه از منظر حقوق بینالملل»، ۱۳۹۵/۰۲/۲۳ – ۷۷۷، https://www.porseman.com .)

- جنیدی، لعیا، (1398)، «[تروریست خواندن سپاه توسط آمریکا یک بدعت در روابط بین‌الملل است](https://shoaresal.ir/fa/news/200970/تروریست-خواندن-سپاه-توسط-آمریکا-یک-بدعت-در-روابط-بین‌الملل-است)»، : ۲۴ فروردين ۱۳۹۸ - ۱۱:۴۵، <https://shoaresal.ir/fa/news/200970/>.

- حیدرپور، ماشاله، عباسیان، مهری ، (پاییز 1398)، «تحلیل و ارزیابی داعیه تروریستی بودن سپاه پاسداران توسط آمریکا از منظر حقوق بین­الملل، **فصلنامه پژوهش­های راهبردی انقلاب اسلامی**، سال دوم، شماره 7،

- دهدشتی اردکانی، سعید، (1398)، «[بررسی ابعاد حقوقی اقدام آمریکا در تروریستی خواندن سپاه پاسداران](http://www.hadinews.ir/story/13012/%D8%A8%D8%B1%D8%B1%D8%B3%DB%8C-%D8%A7%D8%A8%D8%B9%D8%A7%D8%AF-%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82%DB%8C-%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85-%D8%A2%D9%85%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7-%D8%AF%D8%B1-%D8%AA%D8%B1%D9%88%D8%B1%DB%8C%D8%B3%D8%AA%DB%8C-%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86%D8%AF%D9%86-%D8%B3%D9%BE%D8%A7%D9%87-%D9%BE%D8%A7%D8%B3%D8%AF%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D9%86)»، شنبه ۱۴ ارديبهشت ۱۳۹۸، http://www.hadinews.ir/story/13012/

- روزنامه فرهیختگان، «سناریوهای تلافی‌جویانه ایران در صورت اقدام آمریکا علیه سپا»ه، ۱۷:۲۴ ۱۳۹۸-۱-۱۸، <https://www.farsnews.ir/news/13980118001053/>

- [روزنامه جوان](file:///G:\دستکتاپ%20تیر\سلیمانی\سپاه\روزنامه%20جوان)، [تروریست خواندن سپاه نقض حقوق بین‌الملل،](https://rasanews.ir/fa/news/602126/تروریست-خواندن-سپاه-نقض-حقوق-بین‌الملل)  ۱۸ فروردين ۱۳۹۸ - ۲۲:۳۹ ، <https://rasanews.ir/fa/news/602126/>

- زمانی درمزاری، محمدرضا، «ترور سردار قاسم سلیمانی از دیدگاه حقوق بین­الملل»، ۱۴ دی 1399، 08:49 https://www.khabaronline.ir/news/ 1472368

- شریف، رمضان، «حضور وابستگان نظامی سپاه در 15 کشور»، ۳۰ شهریور ۱۳۹۱، ۰۶:۲۰، <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1907049/>

- فرحی، حسین، (1398)، «تروريست خواندن سپاه پاسداران، نقض آشكار حقوق بين­الملل است»، ۲۵ فروردین ۱۳۹۸ ساعت: ۱۳:۴۴، <https://snn.ir/fa/news/762883/>

- فضائلی، مصطفی، (تابستان 1399)، «ترور سردار سلیمانی از منظر حقوق بین­الملل توسل به­زور»، **فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب**، سال هفتم، شماره دوم.

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

- قانون مقررات استخدامی سپاه، مصوب 21/07/1370.

- کک دین، نگوین، پاتریک دییه، آلن پله، (1382)، **حقوق بین الملل عمومی**، ترجمه حسن حبییبی، جلد اول، انتشارات اطلاعات، تهران.

- گوهری مقدم، ابوذر، «[تروریست خواندن سپاه یك اشتباه فاحش از سوی دولت آمریكا است](https://www.irna.ir/news/83273078/تروریست-خواندن-سپاه-یك-اشتباه-فاحش-از-سوی-دولت-آمریكا-است)»، ۲۱ فروردین ۱۳۹۸،‏ ۱۷:۲۰، <https://www.irna.ir/news/83273078/>

- مرادی، جهانبخش، (زمستان 1398)، «بررسی علل حضور مستشاری جمهوری اسلامی ایران در سوریه»، **فصلنامه مطالعات بین­المللی**، سال 16، شماره 3 (63).

- منتظران، جاوید، جعفری، سیداصغر، (بهار و تابستان 1399)، «ترور شهید سپهبد سلیمانی از منظر قواعد حقوق بی نالملل و حقوق بشردوستانه (با تأكید بر رسالت رسانه های برون مرزی)»، **پژوهشنامه رسانه بین­الملل**، سال پنجم، شماره پنجم.

- منتظران، جاوید، «آثار حقوقی بین‌المللی تروریستی نامیدن سپاه»، شنبه 31 فروردین 1398، http://www.css.ir/fa/content/114806

- مرندی، سیدمحمد، (1398)، «صرفا برای جنگ روانی»، ۱۷:۲۴ ۱۳۹۸-۱-۱۸، <https://www.farsnews.ir/news/13980118001053/>

- نعمتی، محمدرضا، سيفي، بهزاد، (1394)، **حقوق و قواعد کاربردی مخاصمات مسلحانه**، انتشارات دانشگاه علوم دريايي امام خميني(ره)، نوشهر.

- نیکنژاد، علیرضا، ابوالحسنی، سلامه، (زمستان 1399)، «بررسی حقوقی ترور سردار قاسم سلیمانی از منظر ماده 51 منشور سازمان ملل متحد(دفاع مشروع)»، **فصلنامه علمی- تخصصی فقه و حقوق معاصر**، سال ششم، شماره چهاردهم.

- وزیریان، امیرحسین، (زمستان 1399)، «نیروی مستشاری انقلاب اسلامی و تحول در سیاست منطقه ای ایران 2020-2003»، **نشریه علمی آفاق امنیت**، سال سیزدهم، شماره چهل و نهم.

- Corfu Channel case (UK v Alb.) 1949 I.C.J. (9 April).

- Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicar. V US) 1986 I.C.J. 14 (27 June).

- The United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982, UN Doc. A/CONF. 62/122.

- The Manual on International Law Applicable to Air and Missile Warfare, Program on Humanitarian Policy and Conflict Research at Harvard University, Bern, 15 May 2009.

- The San Remo Manual on International Law Applicable to Armed Conflicts at Sea, 12 June 1994.

- The Manual Humanitarian Law in Armed Conflicts, edited by The Federal Ministry of Defence of the Federal Republic of Germany VR II 3, August 1992: ZDV 2/15.

**Re-reading the concept of armed forces in international law; from the terrorism of the Revolutionary Guards to the assassination of General Soleimani by the United States**

**Abstract:**

The formation of a formal military force and army is one of the competencies that international law considers and recognizes as "territorial sovereignty" for states. The United States, in an unexpected move, placed the Islamic Revolutionary Guard Corps on its list of foreign terrorist organizations as a military force derived from the governing structure and constitution of the Islamic Republic of Iran. Also in another horrific and unexpected act, a year later, he assassinated and killed General Salmani and Abumohandes al-Mahdi and their companions at the Iraqi airport. This led to the action of domestic and international reactions that need to be analyzed. Therefore, the questions that we seek to answer in this study are whether the organizational position of General Soleimani as a member of the Armed Forces has changed with the position of the United States of America in calling the Revolutionary Guards a terrorist? Has the concept of the armed forces changed in international law? The findings of the investigation indicate that General Soleimani was a member of the Armed Forces of the Islamic Republic of Iran and that the US call terrorism by the Revolutionary Guards had no effect on their legal status and was a reprehensible heresy in international law. His ultimate targeted assassination and the Revolutionary Guards' view as terrorism violate international law and hold the US government accountable. The research method of this paper is descriptive-analytical and the method of data collection is citation libraries.

Keywords: Terrorism, Armed Forces, General Soleimani, International Law.

1. . foreign Terroriest orga [↑](#footnote-ref-1)
2. . CISSADA [↑](#footnote-ref-2)
3. - قطعنامه های 1368 (12 سپتامبر 2001) و 1373(28 سپتامبر 2001)، 1377(12 نوامبر 2001)، 1456 (20 ژانویه 2003)، 1535 (26 مارس 2004) و 2199(12 فوریه 2015). [↑](#footnote-ref-3)